



۲۰۱۶/۰۷/۲۶

جلیل غنی هروی

ماتمسرای کابل این خاک تر بخون شده ماتمسرای کیست

این مصرع را از استاد سخن خلیل الله خلیلی که در زمان مقاومت مردم افغانستان در برابر تجاوز فاشون سرخ اتحاد شوروی سابقه و همدستان و هم کیشان شان از حزب دموکراتیک خلق و کشتار بی رحمانه عاشقان آزادی و شرف ملی، سروده درین روز های ماتم نه تنها شهریان کابل بلکه تمام مردم افغانستان، به عاریت گرفتم. نخست از همه به روح پاک شهدای شنبه سیاه اتحاد دعا نموده و به بازماندگان و همه مردم مصیبت دیده و به خون خفته افغانستان تسلیت عرض می کنم.

روز شنبه دوم اسد ۱۳۹۵ هجری شمسی مطابق ۲۳ جولای ۲۰۱۶ میلادی، شهریان کابل و مردم افغانستان خونبار ترین روز را بعد از سقوط نظام کمونیستی و جنگهای تنظیمی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ که در آفت جنگهای تنظیمی گرفتار شده بودند، تجربه کردند.

درین روز بی گناهایی که برای خواست شان، روشن نمودن کلبه های حقیرانه شان، در یکی از عقب مانده ترین و فقیر ترین ولی با غنا مندی تاریخی و فرهنگ و یکی از افتخارات تاریخی افغانستان و نادر ترین آثار باستانی مبین فرهنگ و مدنیت ماندگار اعصار، قربانی وحشت و بر بریت قرن بیست و یکم قرار گرفتند. گروه و یا گروه های بی فرهنگ و دانش که تلاش مذبحانه دارند که نه تنها افغانستان بلکه سایر کشور های جهان را نیز با حملات انتحاری، کشتار بی رحمانه، گروگان گیری ها، قتل کودکان و زنان بی دفاع به بی رحمانه ترین صورت، صد ها سال به عقب بکشند و فکر میکنند که می توانند مخالف جریان تاریخ و پیشرف قرارگیرند، بار دیگر سیمای منحوس و منفور شان را به نمایش گذاشتند.

ملت افغانستان حق دارد بر مبنای ارزشهای قانون اساسی دست به اجتماعات مسالمت آمیز و صلح جویانه بزند و این مظاهره کنندگان هم حق چنین اجتماعی را داشتند.

این که چرا و چگونه گروهی و یا ملتی مجبور می شود به خیابانها بریزد و خواسته اش را به گوش دولت مردان و حاکمان برساند دلایل متعددی داشته می تواند که در هر کشوری نظر به شرایط و اوضاع خاص فرق می کند ولی در کشوری مثل افغانستان که هنوز آتش جنگ خاکستر نشده و هنوز دود باروت و خمپاره چشمان را کور و نفس را بند می سازد و هنوز مرمی و هاوان و راکت می بارد و هنوز صدای انفجار و انتحار از هر گوشه و کنار به گوش می رسد، تشکیل اجتماعات آن هم به این تعداد و کمیت خالی از خطر بوده نمی تواند. ولی این دلیل بوده نمی تواند که نباید این گونه اجتماعات مسالمت آمیز و راه پیمائی های صلح جویانه دایر گردد. این حق هر ملت در یک جامعه باز و مردم سالار است. گر چه افغانستان هنوز در "خم یک کوچه" از این مسیر پر تلاطم و خوفناک و پر از فراز و فرود قرار دارد.

هدف این مظاهره همانطوری که از گفتار گردانندگان و تنظیم کنندگان آن بر می آید تمديد برق ۵۰۰ میگاوات که از ترکمنستان وارد میگردد و قرار است به کابل و مناطق جنوب انتقال داده شود باید از طریق بامیان بگذرد. ظاهراً حکومت به خواسته های مدافعان این برنامه که خود را به نام "جنبش روشنائی" می خوانند، اعتنا نکرده و آنها راه پیمائی و اجتماعات مسالمت آمیز را برای وارد کردن فشار بر حکومت به منظور پذیرفته شدن خواسته ای شان بر گزیدند که حق مسلم شان بود.

در جریان این مظاهره سه انتحار کننده در صفوف مظاهره کنندگان نفوذ می کنند و دو انتحار کننده موفق به انفجار میشوند و انتحار کننده سومی شناسائی و قبل از آنکه بتواند خود را منفجر سازد از پا در آورده می شود. در نتیجه این انفجارها ۸۴ نفر شهید می شوند و ۲۳۱ نفر دیگر شامل زنان و مردان و حتی کودکان زخمی می گردند.

نظری بر چگونگی این پروژه:

پروژه تمديد لاین برق ترکمنستان از طریق پلخمری سه سال قبل در زمان حکومت کرزی در کابینه تصویب گردید که دران زمان کریم خلیلی یکی از رهبران ادعا شده این "جنبش روشنائی" معاون آقای کرزی بود و دران زمان اعتراضی به این پروژه نکرد.

پارلمان افغانستان و هم آن عده از وکلای ولسی جرگه که امروز در صف اول این جنبش قرار دارند و آنرا رهبری میکنند نیز نه تنها اعتراضی نکردند بلکه نه وزیر انرژی و آب و نه هم کدام منبع دیگر حکومت را مورد سوال قرار دادند. صادق مدبر، کریم خلیلی و عزیز الله شفق سه نفر از رهبران این جنبش که هر کدام در حکومت آقای کرزی سمت های مهم داشتند، در هفته گذشته از این جنبش تقاضا کردند که از مظاهره دست کشیده و مشکل شان را از راه مذاکره با دولت حل نمایند. ادعا می شود که هیات حکومت چهار بار درخواست مذاکره با "جنبش روشنائی" را نموده ولی آنها حاضر به مذاکره نشدند و شرایط حکومت را غیر قابل قبول دانستند. چنانچه شاه حسین مرتضوی

معاون سخنگوی رئیس جمهور غنی مدعی است که هیات حکومت نزد آنها در جایی که قرار بود مذاکره صورت گیرد دو بار رفت ولی هیات "جنبش روشنائی" به مذاکره حاضر نشد.

به موجب تصمیم اخیر حکومت، کار مقدماتی تمدید ۳۰۰ مپگاوات برق به بامیان در ماه ثور آغاز گردیده و قرار است تا شش ماه دیگر در مرحله اول به بیست هزار خانوار در بامیان برق داده شود. با این ظرفیت فابریکه ها و مؤسسات تولیدی هم می توانند فعال شوند.

معمولاً در هر کشوری به خصوص کشور های که مردم آن از آزادی های مدنی بر خور دار هستند اجتماعات و مظاهرات می شود تا بر خواسته های شان تاکید شود. ولی درین مورد به خصوص که چرا "جنبش روشنائی" حاضر به مذاکره نشده و چرا این موضوع از طریق مذاکره به بن بست رسیده ، می توان دلایل متعددی را در نظر داشت. ولی آنچه مسلم است اینست، و تعدادی از صاحب نظران نیز بر این نکته تأکید میکنند، که حکومت از موقف تکبر و غرور و لجاجت در بر خورد با این قضیه و صحبت با مردم پیش آمد نموده.

از جانب دیگر حکومت حاضر نیست و یا تحت فشار اشخاص و گروه های با نفوذی که در دستگاه دولت شریک هستند و یا نفوذ دارند نه می خواهد چهره های جدید و نو به ظهور رسیده ای جریانات سیاسی در حال رشد در افغانستان را به پذیرد و بر همان چهره های شناخته شده ای که از بیش از چهل سال به این طرف این ملت را از هر قوم و قبیله و عشیره و تبار، گروگان گرفته اند، اتکا دارد چون همین چهره ها هستند که حلقه تنک و تاریکی را بر ما حول رهبری حکومت کشیده اند.

وقتی از این زاویه بر جریان "جنبش روشنائی" نگریسته شود دیده می شود که هدف این جنبش بیشتر سیاسی است تا روشن ساختن بامیان و تعدادی از فرصت طلبان از احساسات پاک و بی آلایش و وطن دوستانه هموطنان استفاده نموده و آنها را به خیابانها می کشند تا هدف نهائی را که "مطرح شدن" و "موقف گرفتن" باشد بر آورده سازند. روشی که در همه کشور ها جریان دارد و همه آنانی در هر کشور و گوشه ای جهان که در پی کسب شهرت و "مطرح شدن" هستند از همین حربه استفاده می کنند. ولی این به درایت و کاردانی و حوصله مندی و زیرکی سیاستمداران و دولتمردان است که نگذارند جریانات به چنان مراحل حساسی مثل حادثه روز شنبه نزدیک شود.

در مورد این که درین حادثه کدام جناح نا رسائی دارد دولت یا تنظیم کنندگان مظاهره؟ باید هر دو جناح مسؤلیت پذیر باشند. دولت به این دلیل که چرا باب مذاکره را باز نگذاشته تا مردم مجبور به سرازیر شدن به خیابانها گردند. گفته می شود دولت در تامین امنیت مظاهره کنندگان کوتاهی کرده است. بیائید اندکی عمیقتر و به دور از احساسات به این مساله بنگریم. آیا در شرایطی که امروز افغانستان قرار دارد ده ها هزار نفری را که درین اجتماع شرکت میکنند شناسائی و بررسی نمود تا کسی با نیت شوم و قصد کشتن بی گناهان دران نفوذ نکند.

همچنان آیا تنظیم کنندگان مظاهره نمی دانند که افغانستان در حالت جنگ قرار دارد و هر روز از هر دستگاه نشراتی اعم از رادیو و تلویزیون و روزنامه و شبکه های اجتماعی از حملات انتحاری نمی شنوند و نمی بینند که حتی در مسابقات ورزشی و سرگرمی های مشروع دیگر هم این حملات انتحاری توسط دشمنان مردم افغانستان صورت می

گیرد؟ بناً نمی توان تنها یک طرف قضیه را دید و کوتاهی های از هر دو جانب بوده است ولی این مردم معصوم با احساسات پاک و عاشق پیشرفت و ترقی هستند که قربانی این نا رسانی ها می گردند.

روی هم رفته می توان علل توسل به مظاهرات و راه پیمائی ها را درین موضوع به خصوص چنین خلاصه نمود:

- ۱- عدم پذیرفتن ظهور رهبران جدید و جوان در جریانات سیاسی در حال انکشاف.
- ۲- کنار زدن رهبران فعلی و جهادی دوران گذشته که نشان می دهد هدف سیاسی است نه تنها رسانیدن برق به بامیان چون انتقال برق ۵۰۰ میگا وات به کابل و ولایات جنوب از طریق بامیان، بیشتر یک بهره برداری سیاسی برای حال و آینده بوده می تواند.
- ۳- تکبر رهبران سیاسی و حکومت وحدت ملی و اصرار بر تصامیم حکومت
- ۴- اتکا به یک حلقه محدود تصمیم گیری در دستگاه حاکم
- ۵- نا دیده گرفتن خواسته های معقول و منطقی مردم
- ۶- بی اعتبار شدن دولت نزد ملت و بی اعتمادی به گفتار و عمل حکومت

